

Assesment of spatial distribution of public services with an emphasis on good governance in Kerman city using the software Geoda

Movahedi Nia, M^a, Khodabakhshi, M^{b,1}, Mohammadi Zadeh, N^c

^a PhD in Architecture and Urban Design, University of Florence, School of Architecture and Urban Planning, Florence, Italy.

^b Master of Urban Restoration, University of Science and Technology, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tehran, Iran

^c PhD in Urban Planning, University of Science and Research, Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Objective: Good urban governance is considered as an approach of decision-making system and urban affairs management and urban management institution, which in Iran consists of two municipal organizations and city council, can be one of the best mechanisms for realizing governance. It's good to be urban. Equality in the spatial distribution of urban services and facilities is one of the most important topics in urban studies. The purpose of this study is to measure the spatial distribution of public services in the city of Kerman, emphasizing good urban governance in order to achieve sustainable development. New models of spatial analysis, including privacy analysis and self-correlation techniques, have been able to analyze the issue of access to urban services not only for a particular type of service but also for a large number of services, and how space services are distributed (focus and segregation). And explain the access of citizens and ultimately urban spatial justice.

Method: The present research method is descriptive-analytical and based on library studies, documents and field studies. Data analysis was performed using Geoda software.

Results: In Kerman city, regions 2 and 3 with 29 administrative uses have the largest share, while 95 users share less than 25 percent and 25 to 50 percent of administrative lands. These areas also accounted for the largest number of educational land uses with 22 major uses, while 149 educational land uses accounted for less than 25 percent of these services.

Conclusion: Population-friendly services are not distributed in the novel's metropolitan areas and citizens' access to public services is not equal. The downtown areas have good access to services and the surrounding areas have poor access. The concentration of urban services in Kerman follows the center-periphery model, which means that as we move from the city center to the surrounding areas, the distribution of services is reduced. Areas with high population density also have high service density, and in areas with low population density, low facility density has been observed.

Keywords: Social Justice, Municipal Services, Life Quality, Geoda, Kerman City.

Received: December 6, 2019 Reviewed: February 04, 2020 Accepted: March 14, 2020 Published online: March 20, 2020

Citation: Movahedi Nia, M., Khodabakhshi, M., Mohammadi Zadeh, N (2020). *Assesment of spatial distribution of public services with an emphasis on good governance in Kerman city using the software Geoda*. *Journal of Urban Social Geography*, 7(1), 233-253. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2020.2013](https://doi.org/10.22103/JUSG.2020.2013)

¹ Corresponding author address: Kerman, Iran, P.C: 7618849381. E-mail address: mkhodabakhshi26@gmail.com (Khodabakhshi, M).



سنجش توزیع فضایی خدمات عمومی شهر کرمان با تأکید بر حکمروایی خوب شهری با استفاده از نرم افزار Geoda

مصطفی موحدی نیا^a، محمدرضا خدابخش^b، نسرين محمدی زاده^c

^a دکتری معماری و طراحی شهری، دانشگاه فلورانس، دانشکده معماری و شهرسازی، فلورانس، ایتالیا.

^b کارشناسی ارشد مرمت شهری، دانشگاه علم و صنعت، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران.

^c دکتری شهرسازی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

چکیده

چکیده

تبيين موضوع: حکمروایی خوب شهری به عنوان رویکردی از نظام تصمیم گیری و اداره امور شهری تلقی می شود و نهاد مدیریت شهری که در ایران از دو سازمان شهرداری و شورای شهر تشکیل شده است، می تواند یکی از بهترین ساز و کارها، برای تحقق حکمرانی خوب شهری باشد. بررسی برابری در توزیع فضایی خدمات و امکانات شهری از مهم ترین عناوین در مطالعات شهری به شمار می آید. هدف در این پژوهش، سنجش توزیع فضایی خدمات عمومی شهر کرمان با تأکید بر حکمروایی خوب شهری در راستای دست یابی به توسعه پایدار می باشد. مدل های جدید تحلیل فضایی از جمله تحلیل حریم و تکنیک های خود همبستگی فضایی توانسته اند، مسأله ی دسترسی به خدمات شهری را نه تنها برای یک نوع خدمت خاص بلکه برای تعداد زیادی از خدمات تحلیل نمایند و چگونگی پراکنش فضایی خدمات (تمرکز و تفرق) و دسترسی شهروندان و در نهایت عدالت فضایی شهری را تبیین نمایند.

روش: روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و بررسی های میدانی می باشد. با استفاده از نرم افزار Geoda به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد.

یافته ها: در سطح شهر کرمان، مناطق ۲ و ۳ با دارا بودن ۲۹ کاربری اداری بیشترین سهم را دارا می باشند و این در حالی است که ۹۵ کاربری سهمی کمتر از ۲۵ درصد و ۲۵ تا ۵۰ درصد از اراضی اداری را به خود اختصاص داده اند. همچنین این مناطق بیشترین تعداد کاربری اراضی آموزشی با ۲۲ کاربری عمده را در بر گرفته اند در حالیکه که ۱۴۹ کاربری آموزشی سهمی کمتر از ۲۵ درصد را این خدمات به خود اختصاص داده اند.

نتایج: نتایج نشان می دهد که خدمات متناسب با جمعیت در مناطق شهر یک میزان توزیع نشده اند و دسترسی شهروندان به خدمات عمومی شهری برابر نیست. نواحی مرکز شهر از دسترسی مطلوبی به خدمات برخوردارند و نواحی پیرامونی از دسترسی ضعیفی برخوردار هستند. تمرکز خدمات شهری در شهر کرمان از مدل مرکز - پیرامون تبعیت می کند به این معنی که هر چه از مرکز شهر به سمت نواحی پیرامونی حرکت می کنیم از توزیع خدمات کاسته می شود. نواحی دارای تراکم جمعیتی بالا از تراکم بالای خدمات نیز برخوردار می باشند و در نواحی با تراکم کم جمعیتی نیز تراکم تسهیلات پایین مشاهده شده است.

کلید واژه ها: عدالت اجتماعی، خدمات شهری، کیفیت زندگی، Geoda، شهر کرمان

دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵ بازنگری: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۱/۰۱

استناد: موحدی نیا، مصطفی؛ خدابخش، محمدرضا؛ محمدی زاده، نسرين (۱۳۹۹). *سنجش توزیع فضایی خدمات عمومی شهر کرمان با تأکید بر حکمروایی خوب شهری با استفاده از نرم افزار Geoda*. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۷(۱)، ۲۵۳-۲۳۳.

DOI: [10.22103/JUSG.2020.2013](https://doi.org/10.22103/JUSG.2020.2013)

مقدمه

حکمرانی شهری ایده جدیدی است که جایگزین مفهوم حکومت شهری شده است. طبق این مفهوم تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر و کلان‌شهرها با اجماع کل صاحبان منافع دخیل در شهر صورت می‌گیرد. امروزه در ارتباط با حل معضلات و مشکلات شهری ناشی از این ارتباط پیچیده، توزیع خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و همچنین رفاه شهروندان مورد تأکید قرار می‌گیرد (قره‌نژاد، ۱۳۷۶: ۹۲) زیرا تعادل فضایی در توزیع مراکز خدماتی در شهر و دستیابی به آن مقدمات توسعه پایدار شهری را فراهم می‌آورد و نابسامانی در توزیع منطقه‌ای و محلی باعث دوری مناطق و محلات از عدالت اجتماعی می‌گردد (نسترن، ۱۳۸۰: ۱۴۵) به همین دلیل تعادل فضایی در توزیع خدمات شهری مقدمات توسعه پایدار شهری را فراهم آورده است (وارثی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). دست‌یابی به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی، و برابری استفاده از ظرفیت‌های محیطی، یکی از اهداف مهم برنامه ریزان شهری است (Tsou, et.al., 2005: 424). با این تعبیر، حکومت نقش تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و شهری ایفا می‌کند. خدمات عمومی باید صرف نظر از مکان‌شان، محدودیت‌ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد، به آسانی در دسترس آنها قرار گیرد (Kaphle, 2006: 2).

میزان نیاز بالقوه برای تهیه خدمات، یکی از مولفه‌های اصلی تحلیل عدالت فضایی در توزیع و تدارک خدمات است. شناسایی نواحی نسبتاً برخوردار و غیربرخوردار (محروم)، نتیجه بالقوه این آگاهی است که بهبود و تقویت خدمات و تسهیلات را به دنبال دارد (Hewko, 2001, 61). با توجه به مدل حکمرانی شهری خوب، ساکنان مناطق مختلف شهری، از شهروند انفعالی به شهروند فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شوند. فلسفه این کار این است که با شکل‌گیری چنین فضایی، از شهروندان انتظار می‌رود که در مدیریت زندگی‌شان و نحوه برخورداری از هرگونه خدمات، مسئولیت‌پذیر باشند و اقدامات لازم را برای بهبود اوضاع و برخورداری مناسب و عادلانه از خدمات و امکانات را انجام دهند. با این حال تمرکز مراکز خدمات رسانی در یک مکان خاص، ضمن ایجاد مناطق دوقطبی و بالا و پایین در شهرها، هجوم جمعیت مصرف‌کننده به این مناطق را در پی دارد، به گونه‌ای که شهرها با محیط‌های متراکم، نامطلوب و ناسازگار با توسعه پایدار مواجه خواهند شد (خاکپور، ۱۳۸۸: ۱۸۷). دریافت خدمات عمومی در مقیاس وسیع صورت می‌گیرد و بر زندگی روزانه افراد تأثیر مستقیم دارد. این خدمات همگی دارای عملکردهای فضایی هستند (Savas, 1978: 800).

بنابراین در چنین شرایطی برای پر کردن کاستی‌های موجود، شاخص عدالت یکپارچه که مبتنی بر دورنمایی از تحلیل فضایی تئوری‌های دسترسی، سیستم اطلاعات جغرافیایی و مدل‌های تحلیل فضایی از جمله Geoda و ... توانسته‌اند، مسئله دسترسی به تسهیلات شهری را نه تنها برای یک نوع خدمت خاص بلکه برای تعداد زیادی از خدمات تحلیل نمایند و چگونگی پراکنش فضایی خدمات (تمرکز و تفرق) و دسترسی شهروندان و در نهایت عدالت فضایی شهری تبیین نماید. امروزه پس از فراز و نشیب‌های فراوان در هدف‌ها و راهبردهای پیشرفت و توسعه، اهمیت و ضرورت عدالت بر همگان آشکار شده و این باور به وضوح به اثبات رسیده است که توسعه بدون عدالت امکان‌پذیر نیست و چنین توسعه‌ای اگر هم در کوتاه مدت حاصل شود، در درازمدت خسارات‌های جبران‌ناپذیری را تحمیل خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱). با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. بنابراین هدف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت بین افراد جامعه است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

بر همین اساس در مقاله حاضر به دنبال دستیابی به اهداف متعددی از جمله، تحلیل پراکنش فضایی خدمات عمومی شهری در شهر کرمان، و شناخت رابطه‌ی میان توزیع فضایی جمعیت و خدمات عمومی شهری در نواحی شهر کرمان

هستیم. حال این سوالات مطرح می شود که، آیا بین توزیع فضایی جمعیت و خدمات عمومی شهری رابطه ای وجود دارد؟ و اینکه آیا پراکنش و دسترسی به خدمات عمومی شهری در نواحی شهر کرمان تا چه میزان مطابق با اصول و راهبردهای عدالت فضایی می باشد؟

پیشینه نظری و عملی

مفهوم حکمرانی، مفهوم جدیدی نیست و قدمت آن به قدمت تاریخ تمدن بشری برمی گردد. این اصطلاح از لغت یونانی *Kybernetes* و *Kybernetes* گرفته شده است و معنی آن هدایت کردن (to sleer) و راهنمایی کردن (to pilot) و به معنی چیزها را در کنار هم نگه داشتن است (Mc Carney etal: 1995: 5). قابلیت دسترسی به خدمات در واقع توانایی ساکنین شهر در داشتن یک دسترسی خوب به فعالیت ها، منابع، خدمات و موارد مشابه است. از این رو، این مفهوم وابستگی زیاد به فرم فضایی شهر، شبکه دسترسی، نوع سفر و شکل سفر دارد. (Lotfi, 2009: 134) خدمات عمومی باید صرف نظر از بعد مکانی آن، محدودیت ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد، به آسانی در دسترس آنها قرار گیرد (Kaphle, 2006: 2). حکمرانی در بسترهای مختلف به کار برده می شود، که از آن جمله اند: حکمرانی یکپارچه، حکمرانی بین المللی، حکمرانی ملیو حکمرانی محلی (شهری) و در عین حال بر همیاری دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی مبتنی است (اکبری، ۱۳۸۵، ۱۵۰). توزیع بهینه امکانات و خدمات مورد نیاز شهروندان در سطح شهر به گونه ای که کلیه شهروندان دسترسی مناسبی به آن داشته باشند به دلیل تأمین مناسب نیاز شهروندان و نیز جلوگیری از تحرک و جابجایی بی مورد آنان خود به خود سبب صرفه جویی در وقت و هزینه شهروندان می گردد. مسئله مهم در توزیع عادلانه امکانات به عنوان راهبرد عدالت اجتماعی، چگونگی توزیع خدمات و توانایی ها بین نواحی شهری است (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵). خدمات عمومی به طور کلی به نوان فعالیت های اقتصادی که منفعت عمومی دارند و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می شود. بنیاد نهادن و راه انداختن آنها زیر نظر نهادهای عمومی است اگر چه حمایت و نگهداری از خدمات عمومی برای سرمایه گذاری به بخش خصوصی هم واگذار می شود (چو، ۲۰۱۳: ۳۹-۴۰). خدمات عمومی باید صرف نظر از بعد مکانی آن، محدودیت ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد به آسانی در دسترس آنها قرار گیرد (کاپله، ۲۰۰۶: ۲). افزایش جمعیت شهری و پیشی گرفتن سهم آن از جمعیت روستایی، به طور اعم در شهرهای بزرگ و به طور اخص در کرمان که ناشی از فضای لجام گسیخته و بدون برنامه و تا اندازه ای نشأت گرفته از مهاجرت شدید و بی برنامه ی روستایی می باشد، مدیریت شهری را نه تنها در ارایه ی خدمات عمومی با مشکل روبرو ساخته است، بلکه در عصر جهانی شدن مدیریت کارآمد و اثربخش را به یک مدیریت منفعل و اقتضایی مبدل ساخته است. با توجه به اینکه در حال حاضر برای اولین بار در تاریخ بشر بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها متمرکز شده اند و چنین پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۵ بیش از دو سوم جمعیت جهان ساکن شهرها خواهند شد (پاگ، ۱۳۸۳: ۱۹).

حکمرانی خوب شهری

در دهه ۱۹۹۰ میلادی حکمرانی به یکی از واژه های محوری علوم اجتماعی به حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی، تبدیل شد. طبق تعریف سنتی، حکمرانی، «عمل یا فرآیند حکومت کردن» است که در این تعریف، حکمرانی با حکومت، مترادف است اما در واقع چنین نیست و هر کدام دارای تعریفی متفاوت از دیگری هستند حکومت و حکمرانی، دو الگو برای اداره امور عمومی هستند حکومت عهده دار تمامی وظایف است و موظف است که تمام خدمات را برای مصارف جامعه مدنی یا شهروندان فراهم کند ولی حکمرانی، مسئولیت اداره عمومی، میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را عهده دار است (ابدالی و همکاران، ۱۳۹۸).

حکمروایی شامل مجموعه‌ای از مکانیسم‌های یکپارچه، فرایندها، نهادها و ارتباطات متقابل است که در آن، شهروندان و گروه‌های اجتماعی، از حقوق و تکالیف خود آگاهی می‌یابند (Lupala, 2015).

حکمروایی شهری، با طراحی شبکه‌های خود سازمانده و خود تنظیم، از سیاست پایین به بالا بهره می‌گیرد و رویکرد سلسله‌مراتبی بالا به پایین و دیوانسالاری را کمرنگ و ناکارآمد کرده است و باعث ایجاد زمینه نفوذپذیری بین‌سازمانی در ساختار دولتی گذشته است (ابدالی و همکاران، ۱۳۹۸).

حکمروایی تلویحاً به معنی اقدام مشترک و بنابراین وجود اهداف مشترک، چهارچوب‌های ارزشی و قواعد مشترک، تعامل پیوسته و خواست برای دستیابی به منفعت جمعی است که از طریق انجام اقدامات انفرادی قابل حصول نیست. حکمروایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت شونده‌گان مربوط است. حکمروایی گسترده‌تر از حکومت است و حکومت یکی از مولفه‌های آن به شمار می‌آید. این تعریف تا حدی تأیید این نکته است که هماهنگ‌سازی نظام‌های اجتماعی پیچیده و هدایت توسعه جامعه هیچ‌گاه تنها به عهده دولت نبوده، بلکه همواره مستلزم روابط متقابل میان طیف بازیگران دولتی و غیردولتی بوده است. بیشتر محققان از این هم‌جلوتر می‌روند و اظهار می‌دارند که در فرایند عمومی حکمروایی اهمیت دولت کاهش یافته است و سازمان‌های غیردولتی نقش نسبتاً مهمتری یافته‌اند (خستو و رجبی، ۱۳۹۷).

برایان مک‌لین اولین نظریه‌پرداز است که در سال ۱۹۷۳ مفهوم حکمروایی خوب را مطرح کرد (کاظمیان، ۱۳۸۶):

۵. از نظر او «حکومت شهری» باید نسبت به روندهای تغییر در شهر پاسخگوتر باشد، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آنها متناسب‌تر باشد، نسبت به اجتماع مسئول و پاسخگوتر و به عنوان بخش مهمی از نظام یادگیری اجتماعی بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهمی در پیش‌بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند. این فرایندها به وجود شبکه ارتباطات در داخل سازمان‌های رسمی حکومت و نظام‌های برنامه‌ریزی آن و همچنین شبکه ارتباطات میان آن سازمان‌ها و اجتماع و نظام‌های شهری آن بسیار متکی است (برک پور، ۱۳۸۸). مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (هابیتات) مهمترین سازمانی است که به تشریح اصول حکمروایی مطلوب شهری پرداخته است. از نظر این سازمان حکمروایی در جهان شهری شده امروز بسیار پیچیده و دشوار است و عوامل در هم تنیده و متعامل کثیری در آن دخیل‌اند. مدیران شهری با افراد ذینفع متعدد، منابع و اقدامات به هم وابسته، اهداف مشترک و مرزهای نامشخص میان بخش خصوصی و عمومی، رسمی و غیررسمی و بخش‌های جامعه مدنی و دولتی سروکار داشته و با چالش هماهنگی بیشتر، مذاکره و ایجاد اجماع بین همه‌ی ذینفعان و کنشگران مواجه‌اند (هابیتات، ۲۰۰۱). این نهاد برای تحقق حکمروایی شهری خوب، «رویکرد توانمندسازی» را برگزیده است. این رویکرد از راهبردهای متعددی تشکیل شده که عبارتند از: تمرکز زدایی از مسئولیت‌ها، منابع و حق تصمیم‌گیری و سهیم کردن آن با مقامات محلی، محاسبه‌پذیری؛ تشویق مشارکت جامعه مدنی به ویژه زنان در طراحی، اجرا و نظارت بر تصمیمات و اقدامات و تعیین اولویت‌های محلی؛ استفاده از شمار وسیعی از شرکت‌های بخش خصوصی برای رسیدن به اهداف عمومی؛ ظرفیت‌سازی تمامی ذینفعان و عاملان شهری برای مشارکت کامل در تصمیم‌گیری و جریان‌های توسعه شهری؛ توسعه امکانات و فن‌آوری‌های ارتباطی و اینترنتی برای حمایت از حکمروایی خوب و توسعه شهری پایدار.

عدالت فضایی و توزیع خدمات شهری

عدالت فضایی بیانگر رفتار منصفانه و دربرگیرنده همه مردم، بدون توجه به قومیت، رنگ، منشأ، ملیت یا در مد، در توسعه، اجرا و به کارگیری قواعد محیطی است (Bass, 1998:23). حتی مقوله عدالت فضایی به مثابه موضوعی کلیدی و پراهمیت در پارادایم توسعه پایدار نیز مطرح است. این مفهوم اهداف مشترکی را بین حفاظت محیطی و عدالت اجتماعی بنیاد می‌گذارد (Mitchell & et al., 2012: 17). منظور از عدالت فضایی (در شهر)، توزیع عادلانه

نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و خدمات شهری در میان محله های مختلف شهر است. به طوری که هیچ محله ای در مقایسه با محله دیگر در برخورداری از مزیت های فضایی برتری نداشته باشد و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد (حاتمی نژاد، ۸: ۱۳۸۰). خدمات شهری بخشی از خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی است که در چارچوب نظام سلسله مراتب مراکز شهری، نیازهای عمومی اجتماعی را برآورده می سازد و در یک واحد نسبتاً مستقل و واحد سیاسی تصمیم گیرنده برای رفاه زندگی شهری ارائه می شود (حسینی شه پریان و همکاران، ۱۳۹۴).

سازماندهی فضا، یکی از ابعاد تعیین کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است. از این رو، تجزیه و تحلیل برهم کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی عدالتی های اجتماعی و چگونگی تنظیم سیاست های برنامه ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است (Dufaux, 2008:2). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر تسهیلات عمومی تعریف کرده اند و معیار سنجش عدالت هم، میزان فاصله از خدمات بوده است. برخی دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، اولویت های ساکنان و استانداردهای خدمات رسانی تعریف کرده اند (Liao, al., 2009:138).

بنابراین بحث نابرابری فضایی در شهرها و لزوم برقراری عدالت اجتماعی در برخورداری کلیه شهروندان از خدمات عمومی به یکی از مباحث جدی پیش روی برنامه ریزان و مدیران شهری تبدیل شده است و یکی از مهمترین عواملی که باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی-فضایی در برنامه ریزی برای شهرها رعایت کرد، توزیع مناسب خدمات شهری و منابع اقتصادی و همچنین استفاده صحیح از فضاهاست (میرآبادی و دیگران، ۱۹: ۱۳۹۵).

به عبارت دیگر، در توزیع بهینه خدمات و امکانات باید نفع همه اقشار و گروه های اجتماعی جامعه در نظر گرفته شود تا عدالت اجتماعی و فضایی تحقق یابد (ذاکریان و همکاران، ۶۸: ۱۳۸۹).

هنگامی که پایین بودن درآمد با فقر درآمد ناشی از دسترسی کمتر به کالا و خدمات ارائه شده از سوی بخش دولتی ترکیب شود، به عقب ماندگی نواحی می انجامد (حسین زاده، ۱۳۸۰). بنابراین، دولت ها و دستگاه های برنامه ریز، وظیفه سنگینی درخصوص ایجاد تعادل در توزیع خدمات و امکانات شهری برعهده دارند. از سوی دیگر، بنیاد اسلام بر پایه ی عدالت استوار است و عدالت خود نتیجه ی تکامل اجتماعی است که به دو دسته ی الهی و غیرالهی و عدالت غیرالهی نیز به عدالت اجتماعی و فردی تقسیم می شود. عدالت اجتماعی عبارت است از احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی (اخوان کاظمی، ۲۳، ۱۳۸۱؛ مطهری، ۶، ۱۳۶۰؛ قربان نیا، ۲۱، ۱۳۸۰).

عدالت اجتماعی و خدمات شهری

مفهوم عدالت و برابری، یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم در طول تاریخ اندیشه سیاسی است و درباره آن نظریه پردازی های فراوانی انجام شده است. به عبارت دیگر از زمانی که نابرابری بین انسان ها به وجود آمده، اصطلاح برابری و کوشش برای برقراری عدالت نیز شکل گرفته است. اهمیت مسئله عدالت اجتماعی، زمانی بیشتر می گردد که در فضاهای انسانی چون شهرها به کار گرفته شود. عدالت فضایی، وضعیت محلات را از نظر شیوه توزیع خدمات و میزان برخورداری از شاخص های مختلف اقتصادی اجتماعی و زیربنایی بررسی می کند (تابعی و همکاران، ۱۳۹۵).

عدالت اجتماعی در دهه های اخیر یکی از مهم ترین موضوعاتی است که دانشمندان علوم اجتماعی به آن توجه دارند. این مسئله ناشی از رویکرد واقع بینانه همه رشته های علوم انسانی به فرایند نابرابری در جهان می باشد. عدالت اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در تاریخ زندگی بشر، کاربردها و برداشت های مختلفی داشته است؛ به گونه ای که فردی از طبقه پایین اجتماعی با فردی با پایگاه اقتصادی بالا، فردی مسلمان با فردی غیرمسلمان، شهروند ساکن در

منطقه مرفه نشین پایتخت برای یک فرد ساکن در روستای دور افتاده و هر یک دیدگاه متفاوتی از عدالت دارند (خستو و رجبی، ۱۳۹۷).

از دهه ۱۹۶۰ مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی، وارد ادبیات جغرافیایی شد و مسائلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری های شدید، فقر، بیکاری به سرعت مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفت. از میان جغرافیدانان و جامعه شناسانی که به طور مشخص به موضوع فضا و ارتباط آن با ساختار اجتماعی پرداخته اند، دیوید هاروی جغرافیدان و امانوئل کاستلز جامعه شناس هستند که از دو دیدگاه مختلف به موضوع پرداخته اند. دیوید هاروی مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به منافع همگانی، ملاک توزیع درآمدها در مکان ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار برد. منظور از توزیع فضایی توزیع عادلانه نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و خدمات در میان مناطق مختلف است؛ به طوری که هیچ منطقه ای نسبت به مناطق دیگر از نظر برخورداری از مزیت‌های فضایی برتری نداشته و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد (داداش پور و الوندی پور، ۱۳۹۵).

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است و جنبه‌های مختلف عینی و ذهنی، مادی و معنوی، کمی و کیفی، فردی و اجتماعی، خرد و کلان و نظایر آن را در بر می گیرد. در بعد عینی و مادی، کیفیت زندگی شامل استانداردهای زندگی، امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت‌ها، قانون، سلامتی، سرگرمی، اوقات فراغت، فرهنگ و هنر و مانند اینها می شود. در بعد ذهنی، کیفی و معنوی نیز، کیفیت زندگی شامل تجارب و دریافت های شخصی و احساس امنیت، احساس رضایت افراد از زندگی در شهر است. از مفهوم کیفیت زندگی تعاریف مختلفی ارائه شده است. از این رو بسیاری از محققان براین باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است و لذا دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف است «برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنج‌های برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت مندی و مانند آن تفسیر نموده‌اند» (Epley and Menon, 2007: 281) (به نقل از رضوانی و همکاران، ۹۳: ۱۳۸۸).

پسیون (۲۰۰۳) کیفیت زندگی را به طور کلی به وضعیت محیط زندگی مردم از نظر میزان آلودگی و کیفیت مسکن و همچنین برخی صفات و ویژگی‌های موجود در خود مردم مانند سلامت و میزان تحصیلات تعریف نمود. کوستانزا و همکاران (۲۰۰۷)، کیفیت زندگی را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از شیوه مطلوب زندگی که در ذهن دارند، تعریف می کند. داسن (۲۰۰۸) کیفیت زندگی را به عنوان میزان بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می نماید.

داده‌ها و روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر انجام مطالعات اسنادی، کتابخانه ای و میدانی می باشد. برای همین منظور، در این تحقیق به صورت گسترده از نرم‌افزار Geoda برای تحلیل روابط بین تراکم جمعیت - مساحت مناطق و توزیع فضایی و دسترسی به تسهیلات عمومی در کلانشهر کرمان استفاده شده است. جامعه آماری شامل محدوده خدمات شهری شهر کرمان می باشد که دارای ۴ منطقه با وسعت ۱۲۰۰۰ هکتار می باشد. در این پژوهش ۶ نوع خدمات (آموزشی، مذهبی، رفاهی - گردشگری، نظامی، تجاری و اداری) مور بررسی قرار می گیرند. مطابق اصول، معیارها و استانداردهای برنامه‌ریزی شهری منتج از تجربیات جهانی و وضعیت جغرافیایی کلان‌شهر کرمان مراحل تجزیه و تحلیل پژوهش در انجام شده است. در این مرحله برای هر یک از لایه‌های کاربری ها با استفاده از تجزیه و تحلیل نرم افزار Geoda سطوح دسترسی تعریف شده است.

وزن دهی به لایه‌های شعاع دسترسی و ترکیب نقشه‌ها

در این مرحله لایه‌های آماده شده در مرحله قبل از طریق نرم افزار Geoda واز گزینه Weighted Overlay وزن دهی شدند. لایه‌های مورد استفاده در این قسمت ۶ لایه از خدماتی می‌باشند که از مجموع آن‌ها یک لایه با سه شعاع دسترسی، خوب، متوسط و ضعیف استخراج شد.

تحلیل دسترسی یکپارچه به خدمات عمومی

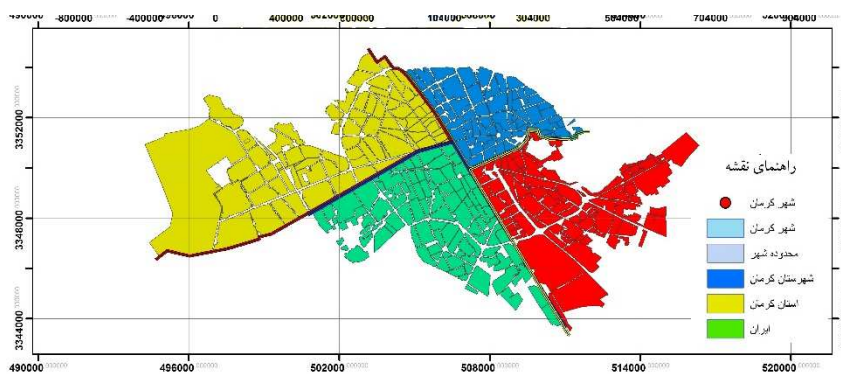
توزیع یکپارچه دسترسی به خدمات، که بر اساس لایه‌های آموزشی، فرهنگی - مذهبی، رفاهی - گردشگری، نظامی، تجاری و اداری نشان می‌دهد مناطق ۱ و ۲ و قسمت‌هایی از مناطق که به این مناطق منتهی می‌شوند از ارزش خدماتی بالایی برخوردار هستند. نواحی مناطق شهری از وضعیت متوسطی نسبت به خدمات قرار دارند و نواحی پیرامونی از ارزش خدماتی ضعیفی برخوردار هستند.

مقایسه مساحت مناطق شهرداری کرمان به لحاظ دسترسی به خدمات

مقایسه مساحت مناطق با خود منطقه و دیگر مناطق در قالب دسترسی خوب متوسط و ضعیف بر اساس تحلیل نقشه‌ها نشان می‌دهد که مناطق ۱ و ۲ بیشترین مقدار از مساحت خود را به دسترسی خوب اختصاص داده اند به طوری که در دسترسی متوسط و ضعیف مقداری را به خود اختصاص نداده است. مناطق ۳ و ۴ نیز از مناطقی هستند که بیشترین مساحت خود رو به دسترسی متوسط اختصاص داده‌اند. و نواحی پیرامونی از نظر دسترسی به خدمات شهری وضعیت نامطلوب و ضعیفی دارند.

قلمرو پژوهش

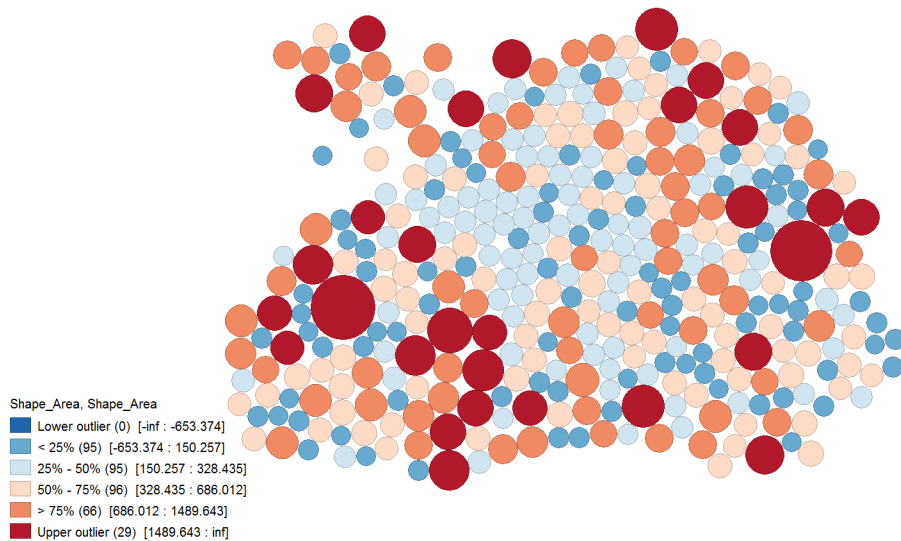
شهر کرمان در شمال شرق استان کرمان و در محدوده ای با وسعت ۱۲۰۰۰ هکتار در موقعیت جغرافیایی ۵۶ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی قرار دارد.



شکل ۱- قلمرو پژوهش

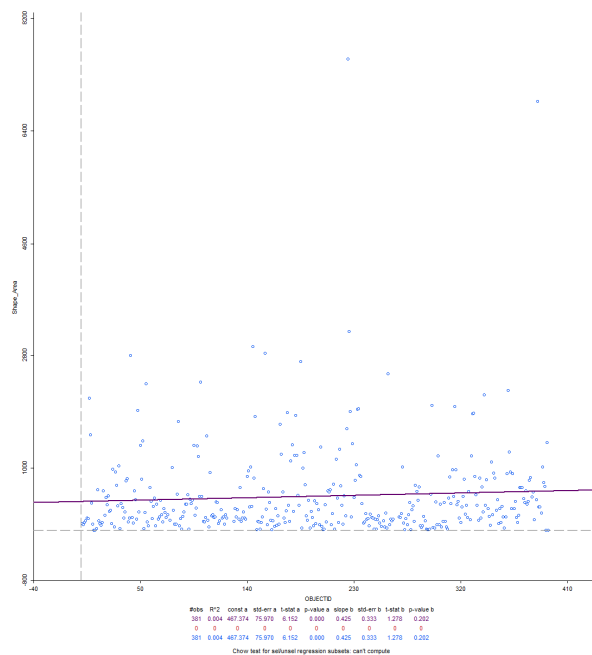
یافته‌ها

همان‌طور که در شکل (۲) دیده می‌شود، مناطق ۱ و ۲ بیشترین تراکم را در برخورداری از خدمات دارند. مناطق ۳ و ۴ در مرتبه بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مراکز اداری متعلق به نواحی حاشیه ای به میزان ۲۵ درصد بوده و نواحی مرکزی نیز از این حیث سهم ۵۰ - ۷۵ درصد را شامل می‌شوند. در مجموع مناطق میانی هم دارای تراکم جمعیتی بالا می‌باشند و هم دارای تراکم خدماتی بالایی می‌باشند. نواحی حاشیه‌ای هم دارای تراکم کم جمعیتی و هم تراکم کم تسهیلات می‌باشند.



شکل ۲- پراکنش کاربری های اداری در شهر کرمان (یافته های تحقیق)

بر اساس شکل (۳)، رابطه معناداری میان تراکم - مساحت جمعیت مناطق و تسهیلات در سطح مناطق چهار گانه شهر کرمان وجود دارد. همانطور که در شکل فوق نشان داده شده است، پراکنش کاربری های اداری در سطح شهر کرمان در یک حالت متعادل قرار دارد و از توزیع نرمال پیروی می کند، یعنی در نواحی با تراکم جمعیتی زیاد، تعداد تسهیلات عمومی نیز بالا می باشد و بالعکس. در این بین ۲۹ کاربری در سطح شهر کرمان که متعلق به منطقه ۲ و ۳ می باشند بیشترین سهم را در بین اراضی اداری به خود اختصاص داده اند و این در حالی است که ۹۵ کاربری سهمی کمتر از ۲۵ درصد و ۲۵ تا ۵۰ درصد از اراضی اداری را به خود اختصاص داده اند که در سطح شهر کرمان پراکنده می باشند.

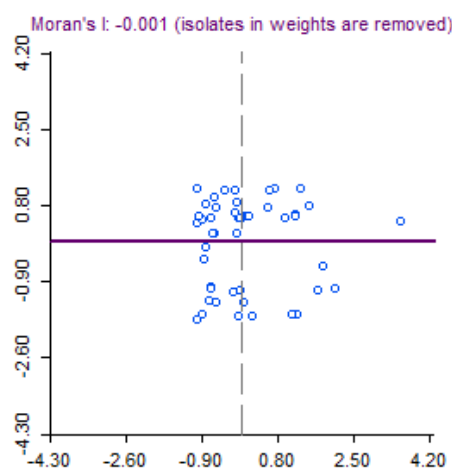


شکل ۳- تراکم خدمات و جمعیت شهر کرمان

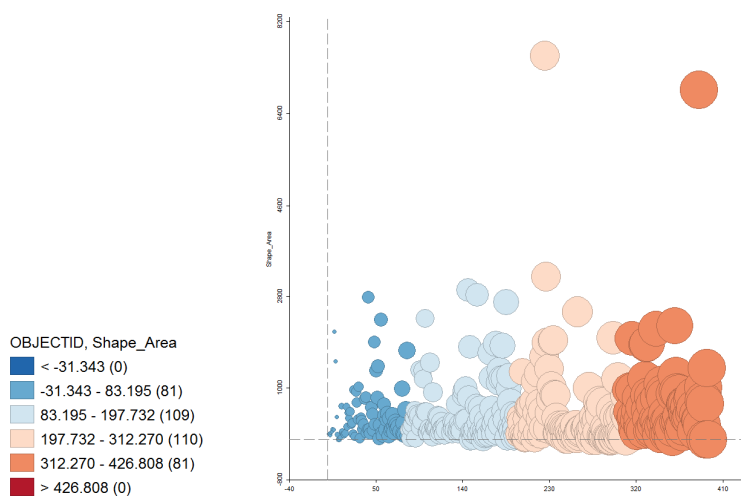
تحلیل ضریب دو متغیره موران:

در شکل (۴) توزیع خدمات اداری با استفاده از ضریب دو متغیره موران در نرم افزار Geoda آماده است. این ضریب مناطق را با خود مناطق و مناطق دیگر مورد تحلیل قرار می دهد. شکل (۴) دارای چهار ربع است، این چهار قسمت یک طبقه بندی از چهار نوع همبستگی فضایی در این تحقیق را فراهم می کند:

- بالا (High-High): سمت راست قسمت بالای محور مختصات، که هم دارای تراکم جمعیت بالا «High» (محور X) و هم تراکم خدماتی بالا «High» (محور Y) می باشد.
- پایین - پایین (Low-Low): سمت چپ قسمت پایین محور مختصات مطابق نمودار بالا که هم دارای تراکم جمعیت پایین «Low» (محور X) و هم تراکم خدمات پایین «Low» (محور Y) می باشد.
- بالا - پایین (High-Low): سمت راست قسمت پایین محور مختصات مطابق نمودار بالا که دارای تراکم جمعیت بالا «High» (محور X) و تراکم خدمات پایین «Low» (محور Y) می باشد.
- پایین - بالا (Low-High): سمت چپ قسمت بالای محور مختصات مطابق نمودار بالا که دارای تراکم جمعیت پایین «Low» (محور X) و تراکم خدمات بالا «High» (محور Y) می باشد.

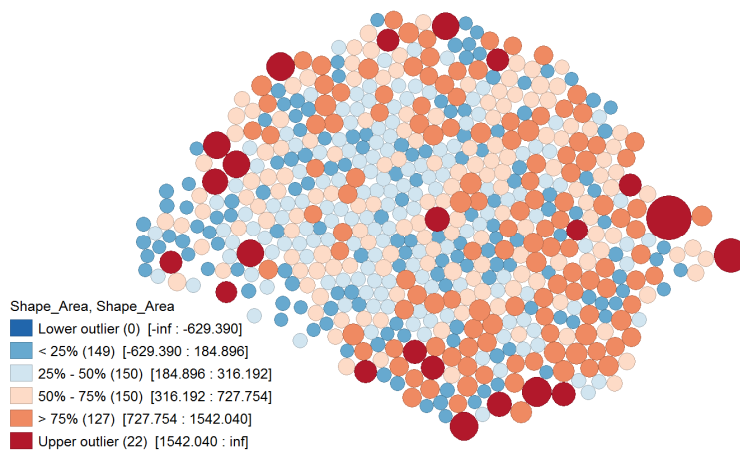


شکل ۴- تحلیل همبستگی دو متغیره موران



شکل ۵- توزیع نرمال (استاندارد) کاربری اداری

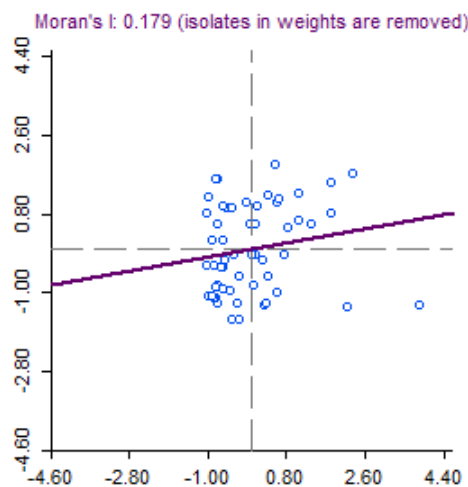
همانطور که در نمودار پراکنش موران نیز مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد کاربری‌های اداری بین طیف‌های ۱۹۷.۵ - ۳۱۱ و ۳۱۱ - ۱۹۷.۵ می‌باشند. که با توجه به خط شیب رگرسیون بین مساحت (محور X) و تراکم خدمات عمومی (محور Y)، بیانگر این واقعیت است که مناطق با تعداد خدمات بالا در کنار مناطق با مساحت بالا قرار دارند.



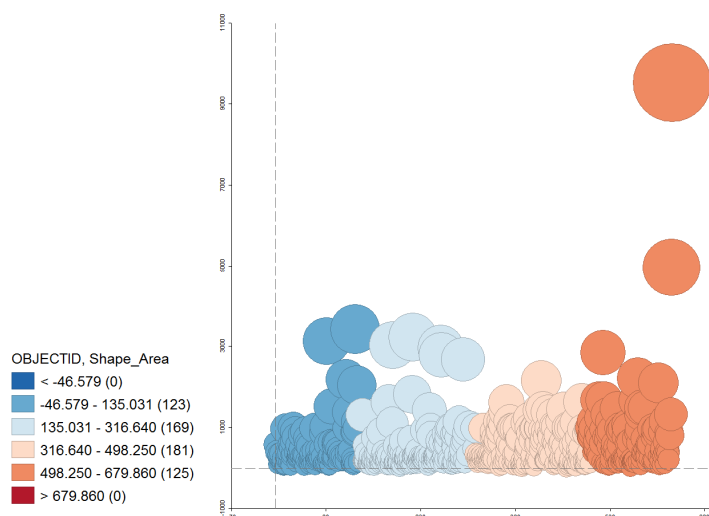
شکل ۶- پراکنش کاربری‌های آموزشی در شهر کرمان

همان‌طور که در شکل (۶) دیده می‌شود، مناطق ۱، ۲ و ۴ بیشترین تراکم را در برخورداری از خدمات دارند منطقه ۳ در مرتبه بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مراکز آموزشی متعلق به نواحی حاشیه‌ای به میزان ۲۵ درصد بوده و نواحی مرکزی نیز از این حیث سهم ۲۵ - ۵۰ درصد را شامل می‌شوند. در مجموع مناطق میانی هم دارای تراکم جمعیتی بالا می‌باشند و هم دارای تراکم خدماتی بالایی می‌باشند. نواحی حاشیه‌ای هم دارای تراکم کم جمعیتی و هم تراکم کم تسهیلات می‌باشند. در این خصوص ۲۲ کاربری شهر کرمان بالاترین میزان برخورداری از اراضی آموزشی را دارند که در منطقه ۲ و ۳ قرار دارند و این در حالیست که ۱۴۹ کاربری آموزشی سهمی کمتر از ۲۵ درصد را این خدمات به خود اختصاص داده که عمدتاً در بخش‌های مرکزی شهر کرمان قرار دارند.

در شکل (۷) توزیع خدمات اداری با استفاده ضریب دو متغیره موران در نرم‌افزار Geoda آماده است. این ضریب مناطق را با خود مناطق و مناطق دیگر مورد تحلیل قرار می‌دهد.



شکل ۷- تحلیل همبستگی دو متغیره موران

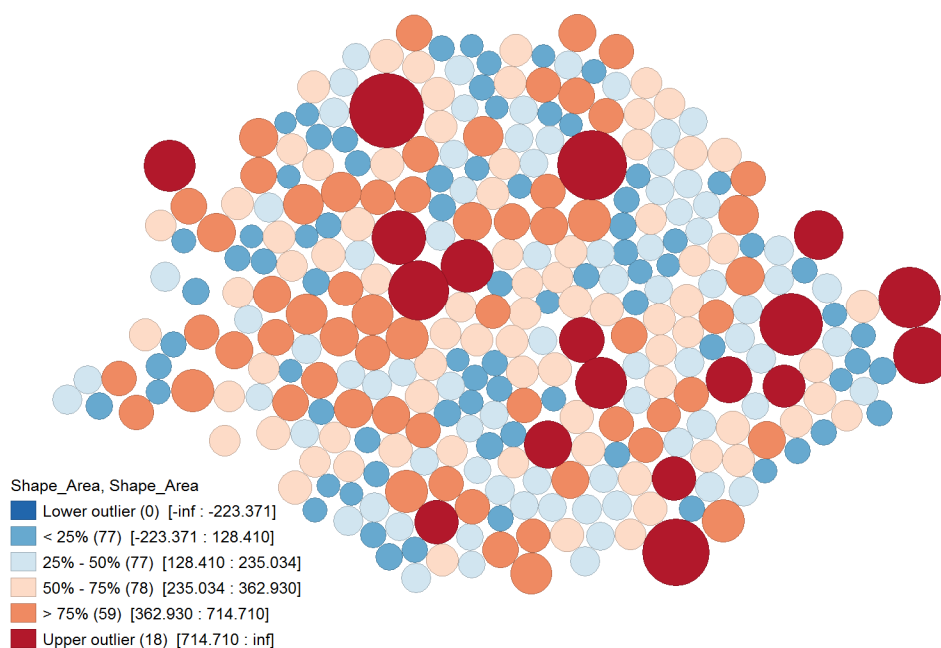


شکل ۸- توزیع نرمال (استاندارد) کاربری های آموزشی

همانطور که در نمودار پراکنش موران نیز مشاهده می شود، بیشترین تعداد کاربری های آموزشی بین طیف های 133 - 314.5 و 314.5 - 496 می باشند. که با توجه به خط شیب رگرسیون بین مساحت (محور X) و تراکم خدمات عمومی (محور Y)، بیانگر این واقعیت است که مناطق با تعداد خدمات بالا در کنار مناطق با مساحت بالا قرار دارند.

رابطه تراکم و توزیع خدمات فرهنگی - مذهبی در مناطق شهر کرمان

همان طور که در شکل (۹) دیده می شود، مناطق ۳ و ۴ بیشترین تراکم را در برخورداری از خدمات دارند منطقه ۱ و ۲ در مرتبه بعدی قرار دارند. کمترین تعداد مراکز فرهنگی - مذهبی متعلق به نواحی ۲ به میزان ۲۵ درصد بوده و نواحی مرکزی نیز از این حیث سهم ۵۰ - ۷۵ درصد را شامل می شوند.

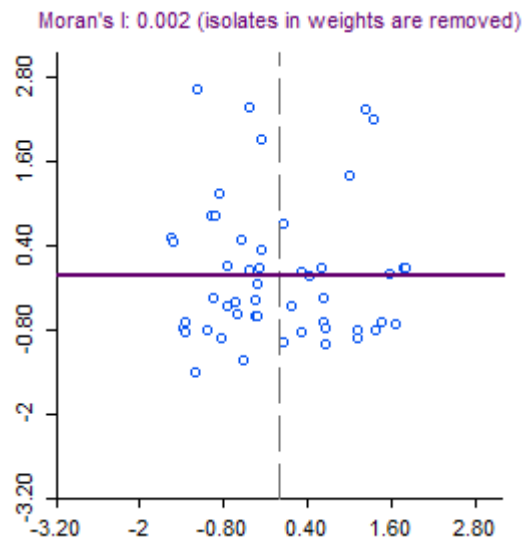


شکل ۹- پراکنش کاربری های فرهنگی - مذهبی در شهر کرمان

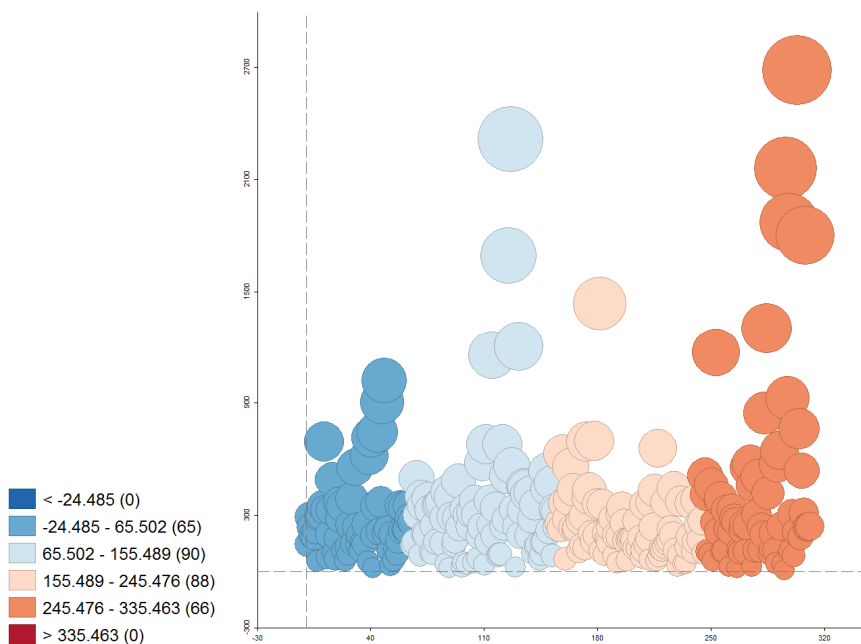
با توجه به شکل ۹، در سطح شهر کرمان منطقه ۱ و ۴ با دارا بودن ۱۸ کاربری فرهنگی مذهبی عمده، بیشترین سهم را در بین مناطق شهر کرمان از این خصوص دارا می باشد به طوری که ۷۷ کاربری که عمدتاً در مناطق ۲ و ۳ می باشند سهمی کمتر از ۲۵ درصد از کاربری های فرهنگی - مذهبی را به خود اختصاص داده اند.

تحلیل ضریب دو متغیره موران:

در شکل (۱۰) توزیع خدمات اداری با استفاده ضریب دو متغیره موران در نرم افزار Geoda آماده است. این ضریب مناطق را با خود مناطق و مناطق دیگر مورد تحلیل قرار می دهد.



شکل ۱۰- تحلیل همبستگی دو متغیره موران

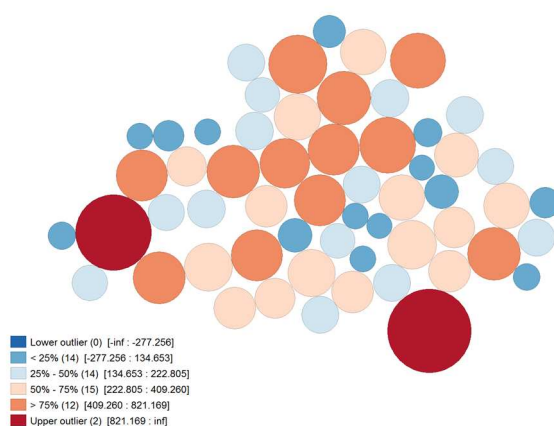


شکل ۱۱- توزیع نرمال (استاندارد) کاربری های فرهنگی - مذهبی

همانطور که در نمودار پراکنش موران نیز مشاهده می شود، بیشترین تعداد کاربری های فرهنگی - مذهبی بین طیف های 154.5 - 244 و 65.4 - 154.5 می باشند. که با توجه به خط شیب رگرسیون بین مساحت (محور X) و تراکم خدمات عمومی (محور Y)، بیانگر این واقعیت است که مناطق با تعداد خدمات بالا در کنار مناطق با مساحت بالا قرار دارند.

رابطه تراکم و توزیع خدمات نظامی در مناطق شهر کرمان

همان طور که در شکل (۱۲) دیده می شود، مناطق شهری کرمان از نظر کاربری نظامی وضعیت نامتعادل دارند و عمده کاربری ها به میزان ۲۵ درصد در بخش های مرکزی قرار گرفته اند به طوریکه توزیع نامتعادل این کاربری ها در مناطق ۴ و ۲ و مناطق حاشیه ای بوده. البته از نظر استانداردهای کاربری اراضی اینگونه از کاربری ها باید در محدوده خارج از محدوده مرکزی استقرار یابند.

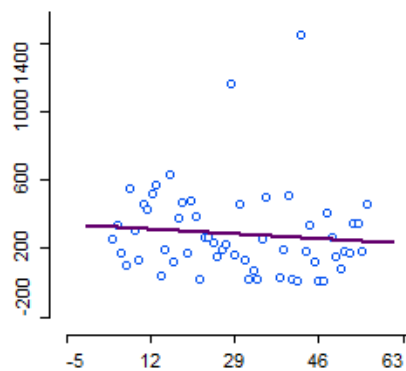


شکل ۱۲- پراکنش کاربری های نظامی در شهر کرمان

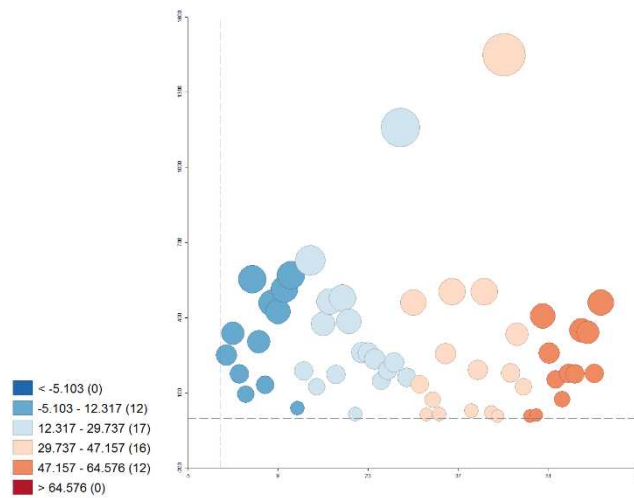
در شهر کرمان منطقه ۲ و ۴ با دارا بودن ۲ کاربری اصلی (پادگان ۰۵ و ستاد کل نیروهای انتظامی) بالاترین میزان برخوردار از سهمیه کاربری های نظامی را در بر گرفته اند. منطقه ۱ و ۲ نیز با ۱۲ کاربری جمعاً ۷۵ درصد از کاربری های نظامی را شامل شده و این در حالیست که ۱۴ کاربری سهمی کمتر از ۲۵ درصد از اراضی نظامی را در بر گرفته اند.

تحلیل ضریب دو متغیره موران:

در شکل (۱۳) توزیع خدمات اداری با استفاده ضریب دو متغیره موران در نرم افزار Geoda آماده است. این ضریب مناطق را با خود مناطق و مناطق دیگر مورد تحلیل قرار می دهد.



شکل ۱۳- تحلیل همبستگی دو متغیره موران

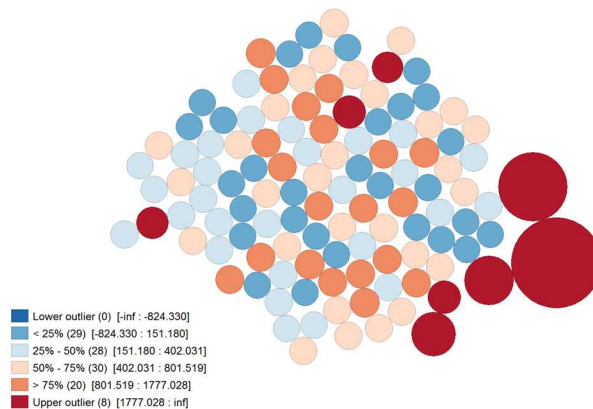


شکل ۱۴- توزیع نرمال (استاندارد) کاربری های نظامی

همانطور که در نمودار پراکنش موران نیز مشاهده می شود، بیشترین تعداد کاربری های نظامی بین طیف 30 - 12.8 می باشند. که با توجه به خط شیب رگرسیون بین مساحت (محور X) و تراکم خدمات عمومی (محور Y)، بیانگر این واقعیت است که مناطق با تعداد خدمات بالا در کنار مناطق با مساحت بالا قرار دارند.

رابطه تراکم و توزیع خدمات رفاهی - گردشگری در مناطق شهر کرمان

همان طور که در شکل (۱۵) دیده می شود، مناطق شهری کرمان از نظر کاربری رفاهی - گردشگری وضعیت نامتعادل دارند و عمده کاربری ها به میزان ۲۵ درصد در بخش های مرکزی و حاشیه ای قرار گرفته اند به طوریکه توزیع نامتعادل این کاربری ها در مناطق ۴ و ۲ و مناطق حاشیه ای بوده.



شکل ۱۵- پراکنش کاربری های رفاهی - گردشگری در شهر کرمان

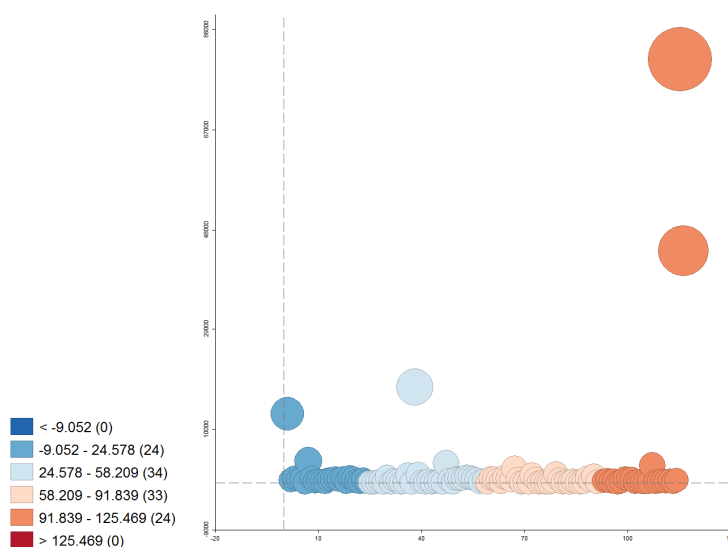
در خصوص کاربری اراضی رفاهی - گردشگری در شهر کرمان، ۸ قطعه زمین که بالاترین سهم را نیز در سطح شهر کرمان دارد به خود اختصاص داده اند که عمدتاً در منطقه ۴ قرار گرفته اند. در این بین ۲۹ کاربری اراضی با کارکرد رفاهی - گردشگری سهمی کمتر از ۲۵ درصد را شامل می شوند که غالباً در مناطق ۳ و ۱ قرار گرفته اند.

ضریب دو متغیره موران:

در شکل (۱۶) توزیع خدمات اداری با استفاده ضریب دو متغیره موران در نرم افزار Geoda آماده است. این ضریب مناطق را با خود مناطق و مناطق دیگر مورد تحلیل قرار می دهد.



شکل ۱۶- تحلیل همبستگی دو متغیره موران

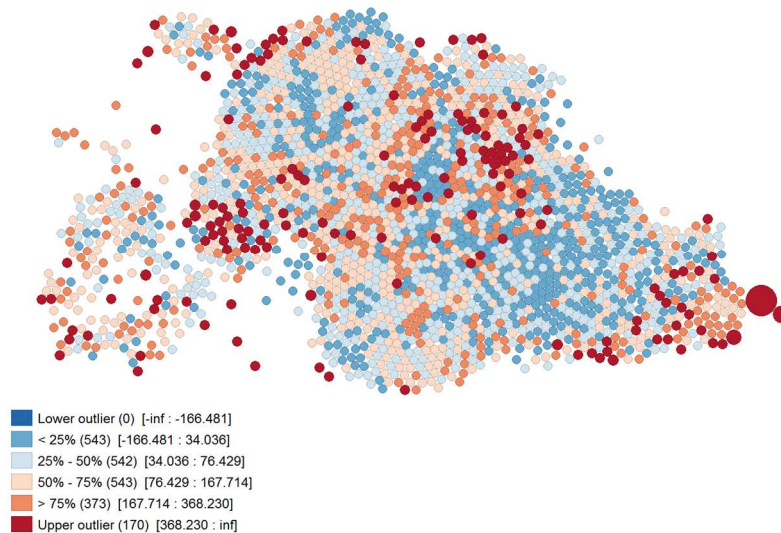


شکل ۱۷- توزیع نرمال (استاندارد) کاربری های رفاهی - گردشگری

همانطور که در نمودار پراکنش موران نیز مشاهده می شود، بیشترین تعداد کاربری های رفاهی - گردشگری بین طیف های 24.9 - 58.5 و 58.5 - 92.1 می باشند. که با توجه به خط شیب رگرسیون بین مساحت (محور X) و تراکم خدمات عمومی (محور Y)، بیانگر این واقعیت است که مناطق با تعداد خدمات بالا در کنار مناطق با مساحت بالا قرار دارند.

رابطه تراکم و توزیع خدمات تجاری در مناطق شهر کرمان

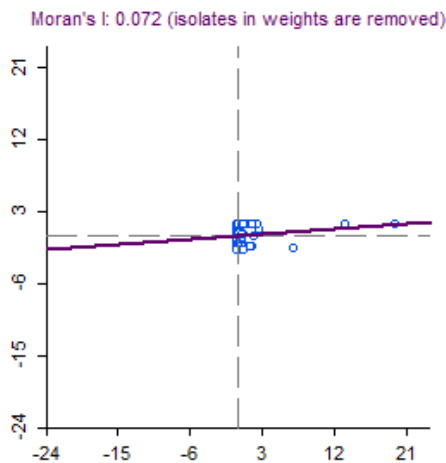
همان طور که در شکل (۱۸) دیده می‌شود، مناطق شهری کرمان از نظر کاربری رفاهی - گردشگری وضعیت نسبتاً متعادل دارند و عمده کاربری‌ها به میزان ۲۵ درصد تا ۵۰ - ۷۵ درصد در بخش‌های مرکزی قرار گرفته‌اند. نواحی حاشیه‌ای و بخش‌هایی از منطقه ۴ کمترین میزان را دارند.



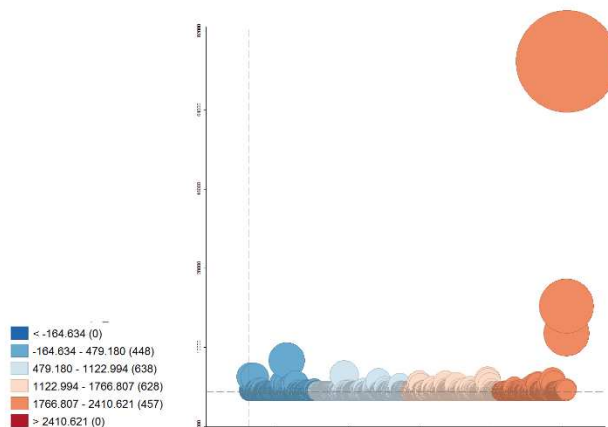
شکل ۱۸- پراکنش کاربری‌های تجاری در شهر کرمان

بیشترین سهم کاربری اراضی تجاری متعلق به منطقه ۲ است که بالاترین سهم از این دسته را در بین مناطق شهر کرمان به خود اختصاص داده است. در سطح شهر کرمان کاربری اراضی خرد نیز وجود دارند که عمدتاً در مناطق ۱ و ۳ قرار گرفته‌اند و سهمی کمتر از ۲۵ درصد را شامل می‌شوند که تعدادی بالغ بر ۵۴۳ کاربری می‌باشند.
تحلیل ضریب دو متغیره موران:

در شکل (۱۹) توزیع خدمات اداری با استفاده از ضریب دو متغیره موران در نرم‌افزار Geoda آماده است. این ضریب مناطق را با خود مناطق و مناطق دیگر مورد تحلیل قرار می‌دهد.



شکل ۱۹- تحلیل همبستگی دو متغیره موران



شکل ۲۰- توزیع نرمال (استاندارد) کاربری های تجاری

همانطور که در نمودار پراکنش موران نیز مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد کاربری های تجاری بین طیف 471-1115 می باشند. که با توجه به خط شیب رگرسیون بین مساحت (محور X) و تراکم خدمات عمومی (محور Y)، بیانگر این واقعیت است که مناطق با تعداد خدمات بالا در کنار مناطق با مساحت بالا قرار دارند.

نتیجه گیری

امروزه در ارتباط با حل معضلات و مشکلات شهری ناشی از این ارتباط پیچیده، توزیع خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و همچنین رفاه شهروندان مورد تأکید قرار می گیرد زیرا تعادل فضایی در توزیع مراکز خدماتی در شهر و دستیابی به آن مقدمات توسعه ی پایدار شهری را فراهم می آورد و نابسامانی در توزیع منطقه ای و محلی باعث دوری مناطق و محلات از عدالت اجتماعی می گردد و به همین دلیل تعادل فضایی در توزیع خدمات شهری مقدمات توسعه پایدار شهری را فراهم آورده است. از اینرو دست یابی به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی، و برابری استفاده از ظرفیت های محیطی، یکی از اهداف مهم برنامه ریزان شهری است. با این تعبیر، حکومت نقش تسهیل کننده و زمینه ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و شهری ایفا می کند. خدمات عمومی باید صرف نظر از مکانشان، محدودیت ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد، به آسانی در دسترس آنها قرار گیرد. بر اساس نتایج بدست آمده پژوهش و همچنین به کارگیری شاخص های خود همبستگی فضایی، تمرکز خدمات شهری در شهر کرمان از مدل مرکز - پیرامون تبعیت می کند به این معنی که هرچه از مرکز شهر به سمت نواحی پیرامونی حرکت می کنیم از توزیع خدمات کاسته می شود. بنابراین فرضیه اول تحقیق که بین پراکنش و دسترسی به خدمات عمومی شهری در نواحی شهر کرمان با اصول و راهبردهای عدالت فضایی اختلاف معناداری وجود دارد تأیید می شود. یعنی توزیع خدمات عمومی به جای این که در شهر به صورت عادلانه یا تقریباً عادلانه توزیع شود به صورت ناعادلانه توزیع شده است. براساس نتایج بدست آمده از نمودار و نقشه های تراکم جمعیت مناطق و تراکم خدمات نواحی دارای تراکم جمعیتی بالا از تراکم بالای خدمات نیز برخوردار می باشند و در نواحی با تراکم کم جمعیتی نیز تراکم تسهیلات پایین مشاهده شده است. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که فرضیه دوم نیز تأیید شده است.

از این رو ۲۹ کابری در سطح شهر کرمان که متعلق به منطقه ۲ و ۳ می باشند بیشترین سهم را در بین اراضی اداری به خود اختصاص داده اند و این در حالی است که ۹۵ کاربری سهمی کمتر از ۲۵ درصد و ۲۵ تا ۵۰ درصد از اراضی اداری را به خود اختصاص داده اند که در سطح شهر کرمان پراکنده می باشند. ۲۲ کاربری شهر کرمان بالاترین میزان برخوردار از اراضی آموزشی را دارند که در منطقه ۲ و ۳ قرار دارند و این در حالیست که ۱۴۹ کاربری آموزشی سهمی کمتر از ۲۵ درصد را این خدمات به خود اختصاص داده که عمدتاً در بخش های مرکزی شهر کرمان قرار دارند.

در سطح شهر کرمان منطقه ۱ و ۴ با دارا بودن ۱۸ کاربری فرهنگی مذهبی عمده، بیشترین سهم را در بین مناطق شهر کرمان از این خصوص دارا می باشد به طوریکه ۷۷ کاربری که عمدتاً در مناطق ۲ و ۳ می باشد سهمی کمتر از ۲۵ درصد از کاربری های فرهنگی - مذهبی را به خود اختصاص داده اند.

در شهر کرمان منطقه ۲ و ۴ با دارا بودن ۲ کاربری اصلی (پادگان ۰۵ و ستاد کل نیروهای انتظامی) بالاترین میزان برخوردار از سهمیه کاربری های نظامی را در بر گرفته اند. منطقه ۱ و ۲ نیز با ۱۲ کاربری جمعاً ۷۵ درصد از کاربری های نظامی را شامل شده و این در حالیست که ۱۴ کاربری سهمی کمتر از ۲۵ درصد از اراضی نظامی را در بر گرفته اند.

در خصوص کاربری اراضی رفاهی - گردشگری در شهر کرمان، ۸ قطعه زمین (که بالاترین سهم را نیز در سطح شهر کرمان دارد) به خود اختصاص داده اند. این زمین ها عمدتاً در منطقه ۴ قرار گرفته اند. در این بین ۲۹ کاربری اراضی با کارکرد رفاهی - گردشگری سهمی کمتر از ۲۵ درصد را شامل می شوند که غالباً در مناطق ۳ و ۱ قرار گرفته اند.

بیشترین سهم کاربری اراضی تجاری متعلق به منطقه ۲ است که بالاترین سهم از این دسته را در بین مناطق شهر کرمان به خود اختصاص داده است. در سطح شهر کرمان کاربری اراضی خرد نیز وجود دارند که عمدتاً در مناطق ۳ و ۱ قرار گرفته اند و سهمی کمتر از ۲۵ درصد را شامل می شوند که تعدادی بالغ بر ۵۴۳ کاربری می باشند.

References:

- ابدالی، افشار (۱۳۹۸). *تبیین چارچوب مفهومی حکمروایی خوب شهری مبتنی بر مدیریت یکپارچه شهری (نمونه موردی: کلان شهر تهران)*. فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، شماره اول، ۳۰۹-۲۹۳.
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری*. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.
- برک پور، ناصر، وایر جاسدی (۱۳۸۸). *مدیریت و حکمروایی شهری*. انتشارات دانشگاه هنر.
- برک پور، ناصر (۱۳۸۸). *حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران*. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
- تابعی، نادر؛ موحد، علی؛ تولایی، سیمین؛ کمانرودی، موسی (۱۳۹۵). *بررسی نقش عدالت فضایی در مدیریت شهری (محدوده مطالعه: محلات منطقه ۶ تهران)*. نشریه برنامه ریزی فضایی، شماره ۲۱، ۳۶-۲۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۸۰). *شهر و عدالت اجتماعی: ناهمگونی های فضایی در محلات شهر مشهد*. پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی شه پریان، نبی الله حسینی، رضا نعمتی، مرتضی (۱۳۹۴). *تحلیلی بر شاخص های توسعه با تأکید بر نابرابری منطقه ای: نمونه موردی: استان خوزستان*. فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال ۷، شماره ۳.
- حکمت نیا، ح. گیوه چی، س. حیدری نوشهر، ن. حیدری نوشهر (۱۳۹۰). *تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از روش استاندارد سازی داده ها، تاکسونومی عددی و مدل ضریب ویژگی (مطالعه موردی: شهر اردکان)*. پژوهش های جغرافیای انسانی (۷۷) ۴۳-۱۶۵-۱۷۹.

خاکپور، براتعلی (۱۳۸۸). **بررسی و تحلیل نابرابری درسطوح توسعه یافتگی مناطق شهرمشهد**. مجله دانش و توسعه، شماره ۲۷.

خستو، مریم؛ رجبی، مرضیه (۱۳۹۷). **تحقق حکمروایی خوب شهری با تاکید بر مفهوم عدالت فضایی و اجتماعی (نمونه موردی: شهر رشت)**. مجله مدیریت شهری، شماره ۵۴، ۲۱۴-۱۹۷.

داداش پور، هاشم و الوندی پور، نینا (۱۳۹۵). **عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران، فرامطالعه چارچوب نظری مقاله های علمی موجود**. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۳، ۶۷-۸۰.

ذاکریان، ملیحه؛ موسوی، میرنجف و علی باقری کشکولی (۱۳۸۹). **تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار**. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱(۲): ۸۴-۶۱.

رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین، ستاری، محمد حسین (۱۳۸۸). **توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری**. مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم، پاییز.

رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۵). **اندازه گیری و تغییرات دسترسی در منطقه مادرشهر سیدنی**. مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۷.

قره نژاد، حسن (۱۳۷۶). **بررسی توزیع جغرافیایی مراکز بهداشتی-درمانی درشهراصفهان**. مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴.

کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶). **درآمدی برالگوی حکمروایی شهری**. فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰.

میرآبادی، مصطفی؛ رجبی، آریتا و مسعود مهدوی حاجیلونی (۱۳۹۵). **تحلیلی بر ناهمگونی فضایی در نواحی شهری با تأکید بر نقش بافت ها و سکونت گاههای نابسامان (نمونه موردی: شهر مهاباد)**. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۶ (۵۵): ۴۳-۱۷.

نسترن، مهین (۱۳۸۰). **تحلیل و سنجش درجهت مرکز و پراکنش شاخص های بهداشتی - درمانی شهراصفهان**. مجله پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، اصفهان.

Akhavan Kazemi, B (2000). *Justice in View of West Politics*. Politics Information Journal, No.

Bass, R. (1998). "Evaluating environmental justice under the National Environmental Policy Act". Environmental Impact Assessment Review, 18, 83-92.

Costanza, R (2007). *Quality of life: An approach integrating opportunities*. Human needs and subjective well-being, Ecological Economics, 61(2-3).

Das, D (2008). *Urban Quality of Life: A case study of Guwahati*. Social Indicators Research, 88.

Dufaux, F (2008). *Birth announcement*. justice spatial/spatial justice, www.jssj.org.

- Hewko, J.N (2001). *Spatial Equity in the Urban Environment: Assessing Neighbourhood Accessibility to Public Amenities*. University of Alberta.
- Hosseinzadeh Dalir, K (1998). *Regional Planning*. 1st Edition, Tehran, Samt Press.
- Kaphle, Isha (2006). *Evaluating people's accessibility to public parks using Geographic Information Systems: A case study in Ames, Iowa*. Iowa State University.
- Liao, Chin-Hsien, Chang Hsueh-Sheng, Ko-Wan Tsou (2009). *Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development*. Real Corp, (<http://www.corp.at/>)
- Lotfi, Sedigheh.Koohsari, M.J (2009). *Measuring objective accessibility to neighborhood facilities in the city (A case study: Zone 6 in Tehran, Iran)*. Cities, Vol. 26, pp: 133– 140.
- Lupala, J.M (2015). *Urban Governance in the Changing Economic and Political Landscapes: A Comparative Analysis of Major Urban Centers of Tanzania*. Current Urban Studies.
- Mc. Carney. P and et al (1995). *Towards and unerstanding of Governance*. The emergency of and idea and its implications for urban research in developing contries uneverstiy of toronto.
- Mitchel G., Norman P (2012). *Longitudinal environmental justice analysis: Co-evolution of environmental quality and deprivation in England, 1960–2007*. Geoforum, No. 43, pp: 44–57.
- Pacione, M (2003). *Urban environmental quality and human well being a social geographical perspective*. Landscape and Urban Planning, 65(1-2).
- Savas, E.S (1978). *On Equity in ProvidingPublic Services*. Management Science, Vol.24, No.8,
- Stillwell, J., Norman, P., Claudia, T., Paula, S (2010). *Spatial and social disparities. Understanding Population Trends and Processes*, 2, pp 1-15.
- Tsou, Ko-Wan, Yu-Ting Hung, and Yao- Lin Chang (2005). *An accessibilitybased integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities*. Cities, Vol.22 No. 6, pp: 424–435.